

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال هجدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۴۰۳
صفحه ۲۲۵ تا ۲۴۲

فسادستیزی و مانع‌زدایی از تولید و اقتصاد در فرهنگ اسلام

مهدی محمدرضائی / دانشجوی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

معین صباحی گراخانی / استادیار گروه حقوق، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)
Moiensabahi@yahoo.com

چکیده

در ادبیات توسعه، فساد را به عنوان یکی از موانع رشد و توسعه اقتصادی می‌شناسند که می‌تواند بنیان‌های اخلاقی، اجتماعی و ارزشی و سرمایه اجتماعی یک جامعه را تخریب نماید. به همین دلیل است که همواره یکی از آموزه‌های مهم ادیان الهی به ویژه اسلام و مذاهب پیرو آن تأکید خاصی بر مبارزه با فساد اقتصادی در همه‌ی ابعاد آن دارد. مقاله حاضر با هدف بررسی آموزه‌ها و راهکارهای برآمده از فرهنگ اسلامی در مبارزه با فساد اقتصادی به مثابه یک مانع و محدودیت مهم در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، تلاش داشته است تا به این سؤال پاسخ گوید که فرهنگ اسلام چه برنامه و دستورالعمل‌هایی برای مبارزه و کنترل بیشتر بر فساد دارد؟ مقاله حاضر با مفروض داشتن این گزاره فرهنگ اسلام برای مقابله با فساد و کنترل آن دستورالعمل‌های موثری دارد به این نتیجه رسیده است که در قرآن و احادیث معصومین، نکات قابل تأملی وجود دارد که قابل کاربرد و کاربست برای رفع فساد و متعاقباً رونق یک اقتصاد سالم و کارآمد است که از میان آنها می‌توان به اصل حاکمیت قانون، رسانه‌ای کردن و سوت‌زنی، برابری در مقابل قانون و حذف مستثنیات، ترویج اخلاق، اصل شفافیت و ارتقای سازوکارهای نظارتی و کنترلی اشاره کرد. تحقیق حاضر از به جهت روشی از جمله تحقیقات کیفی محسوب شده و توصیفی-تحلیلی است و شیوه جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است.

کلیدواژه: فسادستیزی، رونق تولید، اقتصاد اسلامی، اصل شفافیت، تشهیر رسانه‌ای.

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۵

مقدمه

فساد را می‌توان یکی از رفتارهای دیرپای آدمیان دانست که در ساحت‌های مختلفی بروز و ظهور داشته است و باعث بر روی روندهای درونی جوامع تاثیرگذار بوده است. فساد به مثابه رفتاری غیراخلاقی، دارای علل متعددی است که عمده‌ی دلایل آن ماهیت اقتصادی دارد؛ از سوی دیگر فساد را یکی از موانع مهم تحقق رشد و توسعه اقتصادی و در نهایت حکمرانی خوب می‌دانند. «همه‌ی دولت‌ها برای تضمین کارآمدی خود مایلند و تلاش می‌کنند سیاست‌های کارآمدی برای رسیدن به اهدافی که مطلوب می‌دانند تنظیم و آنها را با توجه به منابع کمیابی که دارند با نهایت تأثیربخشی اجرا کنند. در این میان مسائل دیگری نظیر حفظ حقوق و آزادی‌های مردم، پاسخگو بودن در برابر نظریات مردم، حفظ و ارتقای مشروعیت دولت و غیره نیز مطرح می‌شود. مجموعه این مباحث در ادبیات علوم سیاسی و اجتماعی دو دهه‌ی اخیر با عنوان «حکمرانی خوب» بیان شده است. رسیدن به حکمرانی خوب موانع گسترده‌ای دارد و یکی از عمده‌ترین موانع آن «فساد» است. همه کشورهای جهان نیز به درجاتی با این پدیده درگیر هستند. فساد، گذشته از آنکه از نظر اخلاقی ناپسند است، به علت آنکه سبب بروز بسیاری از ناکارآمدی‌ها و دشواری‌ها برای تحول و توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌شود به کانون توجه بسیاری از اقتصاددانان، متخصصان علوم سیاسی و محققان علوم اداری تبدیل شده است» (فاضلی، ۱۳۸۸: ۱۳). از سوی دیگر فساد باعث کاهش سرمایه اجتماعی شده و می‌تواند بنیان‌های اخلاقی و ارزشی یک جامعه را دچار آسیب‌های جدی نماید. این امر به تدریج باعث می‌شود، منافع شخصی و گروهی بر منافع جمعی و ملی رجحان پیدا کرده و در نهایت سبب کاهش کارآمدی سیستم‌های اداری و قضایی می‌گردد. مساله فساد به ویژه فساد اقتصادی یکی از آسیب‌هایی است که کشور ایران نیز با آن دست به گریبان است؛ به طوری که طبق آخرین آمار منتشر شده توسط سازمان شفافیت بین‌المللی از وضعیت ادراک فساد کشورهای جهان در سال ۲۰۲۳، کشور ایران با دو پله سقوط در رتبه ۱۴۹ از ۱۸۰ کشور قرار دارد. امتیاز ایران ۲۴ بوده است که نسبت به سال قبل یک امتیاز کاهش یافته است؛ این ضعیف‌ترین امتیاز از سال ۲۰۰۹ تاکنون بوده است (سایت شفافیت برای ایران، ۱۴۰۲).

با توجه به تاثیرات و نتایج فساد اقتصادی، مصلحان و دغدغه‌مندان در اندیشه‌ی پیشگیری و مبارزه با این پدیده‌ی شوم اجتماعی بوده‌اند. پیامبران الهی و اولیای حق، در این میان نقش بسیار برجسته‌ای داشته‌اند؛ آنان مبارزه با فساد و تباهی و برقراری قسط و عدل در جامعه را سرلوحه‌ی برنامه‌های تبلیغی خود قرار داده و در این راه، ایثار فراوانی از خود نشان داده‌اند (حسنی و شمس، ۱۳۹۱: ۸۱-۱۰۴). به همین منظور کنکاش پیرامون راهکارهای دینی و ارزشی برای مبارزه با فساد اقتصادی از آن رو اهمیت

دارد که جامعه‌ی ایرانی به عنوان یک جامعه اسلامی مطرح است و در چنین جامعه‌ای، الگوها و راهکارهایی قادرند تاثیرگذار باشند که مبتنی بر فرهنگ و ارزشهای حاکم بر آن بوده و به عبارت بهتر، از ارزش‌های دینی و اسلامی نشئت گرفته باشند. از همین رو، با التفات به دو پیش فرض، یکی آن که، همه ساختارها و جوامع ذاتاً مستعد فسادزایی و رواج آن هستند؛ و دیگر آن که، اسلام به عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین دین الهی قطع به یقین برای مبارزه با فساد دستورهای دقیق و کاربردی در فرهنگ سیاسی‌اش دارد، این مقاله، این پرسش اصلی را مدنظر قرار داده است که فرهنگ اقتصادی اسلام چه برنامه و دستورالعملهایی برای فسادستیزی و مانع‌زدایی از تولید دارد. در ادامه ضمن تدقیق مفاهیم در چارچوب نظری، با بررسی مولفه‌ها و ابزارهای فسادستیزی دستورالعملهای اسلامی در این موارد مورد کنکاش و بررسی قرار خواهد گرفت. تحقیق حاضر از به جهت روشی از جمله تحقیقات کیفی محسوب شده و توصیفی-تحلیلی است و شیوه جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است.

۱. پیشینه تحقیق

خدیبوی رفوگر و هادوی‌نیا (۱۳۹۶) در مقاله‌ی خود با عنوان « مفهوم‌سازی و سنجش فساد اقتصادی از دیدگاه اسلام با رویکرد نهادگرایی» بر این باورند که با توجه به رویکرد اقتصاد نهادگرا، بهترین روش برای تبیین مفهوم فساد در هر جامعه، استفاده از هنجارها و ارزش‌های عرفی فرهنگی شده و نهادی آن جامعه می‌باشد؛ و به این نتیجه رسیده‌اند که با عنایت به این مهم و با رجوع به دین نهادی که نماینده ارزش‌های عرفی فرهنگی شده در سطح جامعه می‌باشد، مشخص گردید که در سنت شیعی مکاسب محرمة با توجه به جایگاه آن در نهادهای رسمی و غیررسمی، دقیق‌ترین و عمیق‌ترین معادل مفهومی برای فساد اقتصادی از منظر اسلام می‌باشد. همچنین با توجه به برخی از مهم‌ترین مصادیق، نویسندگان در این مقاله شاخصی را طراحی کرده‌اند که با استفاده از روش ادراک فساد در بافت پیرامون حرم رضوی سنجش شد؛ بر اساس نتایج به‌دست‌آمده بیش از نیمی از فعالیت‌های اقتصادی منطقه مبتلا به فساد اقتصادی می‌باشند.

صادقی شاهدانی و رزم‌آهنگ (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان « واکاوی پدیده فساد اقتصادی از منظر فرهنگ اسلامی در چارچوب مدل هافستد» در پاسخ به این مسأله که آیا فرهنگ اسلامی می‌تواند نقشی در کنترل و زدودن مفاسد از مناسبات اقتصادی آحاد جامعه ایفا کند؟؛ نویسندگان با استفاده از مدل هافستد و در نظر گرفتن متغیرهایی چون فاصله از قدرت، اجتناب از نااطمینانی، جمع‌گرایی- فردگرایی و گرایش کوتاه‌مدت-بلند مدت در رابطه با مفاسد اقتصادی و در چارچوب رفتار دین‌مدارانه به این نتیجه رسیدند که تحقق فرهنگ مطلوب (فرهنگ اسلامی) تأثیر قابل‌توجهی در

کاهش رفتارهای فسادآلود در جامعه خواهد داشت. در کنار مقابله اقتصادی و قضائی با پدیده فساد، برنامه‌ریزی فرهنگی در جهت تقویب باورهای اسلامی و ضدفساد امری ضروری است. استفاده از ابزارهای فرهنگی در جهت مبارزه با فساد، منجر به افزایش اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی شده و این اقدام به تحقق اقتصاد مردم‌بنیان و به تبع، تقویت شاخص‌های کلان اقتصادی کمک می‌کند.

احمدی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «مولفه‌های اقتصاد مقاومتی در قرآن و روایات تفسیری» بر این باور است که دین اسلام به عنوان داعیه دار بنای حکومت و نظام اسلامی، الگوی اقتصادی مقاوم و کارآمدی را برای اداره زندگی فردی و اجتماعی ارائه دهد. به همین دلیل نویسنده تلاش کرده است مولفه‌ها و راهکارهای قرآنی اقتصاد مقاومتی را با استفاده از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام استخراج و تبیین نماید و روش‌های عملی موجود در سنت اهل بیت علیهم السلام برای بهره‌بردن از راهکارهای قرآنی را ارائه دهد؛ در نهایت وی به این نتیجه رسیده است که رویکرد جهادی مطرح شده در چارچوب اقتصاد مقاومتی در اسلام براساس کار و تولید، بهره‌بردن از زمین و استخراج معادن، و فسادستیزی بنا شده است.

حسینی‌نسب و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی حقوقی منع اخلال در نظم و امنیت اقتصادی و مالی در پرتو مذاق شریعت و آیات قرآن» معتقدند فساد مالی و اقتصادی همچون یک بیماری واگیردار، همه دستاوردها و تلاش‌های جامعه و دولت‌ها را از بین می‌برد و همه پول و ثروت را به دست دلالان می‌فرستد. لذا حفظ امنیت اقتصادی و نظم و مدیریت نقدینگی و کوتاه نمودن دست دلال‌ها از منابع مالی جامعه به عنوان یکی از اصول مهم در اسلام می‌باشد. به همین سبب بر اساس مفهوم «مذاق شریعت» نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که در زمینه منع و جلوگیری از مفسدین اقتصادی در بسیاری از مبانی و منابع فقهی و حقوقی مباحث مبسوطی ارائه گردیده است که به طور واضح و مبرهن می‌توان در آیات و روایات حرمت اخلال در نظام اقتصادی را دریافت.

حاجیان حسین‌آبادی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «روش‌های مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی» ضمن برشمردن روش‌های علمی‌بن‌ایطالب علیه السلام در مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت؛ از اقدامات اساسی حضرت علیه السلام در نظام اقتصادی، کنترل و نظارت همه‌جانبه برای پیشگیری از وقوع فساد و روش‌های مقابله همچون برنامه‌ریزی، فرهنگ‌سازی، شایسته‌سالاری، شفافیت اطلاعات، نظارت و کنترل، جلوگیری از اختلاس، ممانعت از احتکار، رباخواری، رانت‌خواری، مبارزه با گران‌فروشی، کم‌فروشی، تثبیت قیمت‌ها و تنبیه متخلفان با هرگونه فساد اقتصادی مقابله و مبارزه نمود.

عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان « نقش آموزه‌های قرآنی و روایی در کاهش فساد اقتصادی» با تأکید بر نقش آموزه‌های قرآنی و روایی در کاهش فساد اقتصادی، به این نتیجه رسیده‌اند که در زمینه پیشگیری از فساد اقتصادی نظیر آگاه‌سازی؛ تزکیه نفس؛ جلوگیری از پیدایش زمینه‌های فساد (۱). تمهیدات لازم برای پیشگیری از فساد در معاملات، ۲. نظارت دقیق، ۳. انتخاب افراد متعهد و متخصص برای اداره کشور، ۴. کاهش دادن فقر و نابرابری در جامعه و... نشان می‌دهد به‌کارگیری این آموزه‌های دینی در زندگی باعث کاهش بروز فساد اقتصادی می‌شود. و براساس آیات و روایات، اصلی‌ترین مسأله در امر پیشگیری از بروز مفاسد اقتصادی، احیای معنویات، اخلاقیات و ارزش‌های دینی و نیز اشاعه فرهنگ مبارزه با فساد اقتصادی است.

بررسی آثار فوق الذکر و دیگر آثار نزدیک به این موضوع نشان می‌دهد که کمتر پژوهشی با نگاهی ایجابی به تبیین و ارائه راهکارهای سیاستی در این زمینه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و مذهبی پرداخته است؛ این موضوعی است که در مقاله حاضر تلاش می‌شود به آن جامعه عمل پوشیده شود؛ و همین موضوع باعث بداعت و نوآوری مقاله می‌گردد.

۲. چارچوب نظری: نظریه‌های گرایش به فساد

تعاریف متعددی در متون مختلف اقتصادی و سیاسی و جامعه‌شناسی برای مفهوم «فساد» ارائه شده است. در نگاهی کلی، «فساد به مجموعه‌ای از رفتارهای کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌شود که برای تأمین منافع شخصی، قواعد و مقررات پذیرفته شده را نادیده می‌گیرند. بانک جهانی و موسسه‌ی شفافیت بین‌الملل بیان می‌کنند که فساد سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی است. به بیان کلی، می‌توان اذعان داشت که فساد سوءاستفاده مقامات دولتی و مدیران بخشی خصوصی از جایگاه خود برای منافع شخصی است» (دلیری، ۱۴۰۱: ۱۹۹-۲۱۶). به باور اندیشمندان، فساد زمانی رخ می‌دهد که مقامات بخش دولتی مسئولیت مستقیمی برای تهیه و تأمین خدمات بخش عمومی دارند (آکرمن، ۱۳۹۶: ۵۹).

در این زمینه نظریات مختلفی به منظور شناخت فساد به ویژه فساد اقتصادی از سوی اندیشمندان و پژوهشگران ارائه شده است.

نظریه‌های اقتصادی فساد به مسائلی همچون عدم تقارن اطلاعاتی (که کدام عوامل فاسد هستند و چه عواملی در ترویج فساد مشارکت می‌کنند) و عدم اطمینان در مورد هزینه‌ها (مرتبط با احتمالات و جریمه‌های کشف و همچنین خرید وفاداری سایر عوامل) و نیز به همه مجهولات معمول مانند تقاضا و عرضه می‌پردازند. در این دسته، نظریه‌های افرادی چون رز-آکرمن (1978)، شلیفر و ویشنی (1993)، دابلا-نوریس (2002)، آهلین و بوز (2007)، لامبرت-موگیلیانسکی و همکاران. (2007)،

و همچنین عجم اوغلو و وردیر (2000) که نقش فساد را در تلاش‌های دولت‌ها برای اصلاح شکست‌های بازار نشان می‌دهند؛ مطرح هستند.

در نظریه‌های علوم سیاسی، توضیحات کارکردگرایانه فساد در آثار محققانی مانند ساموئل هانتینگتون (1968) ظاهر شد، که فساد را راهی برای «چرب کردن چرخ‌های بوروکراسی» برای انجام کارها، به ویژه برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها می‌دانستند (Marquette and Pfeiffer 2015; Manzetti and Wilson 2007). در این دیدگاه، فساد راهی برای قطع سریع الزامات نظارتی سنگین، توزیع منابع و ایجاد رشد اقتصادی است (ibid). مارکوت و فایفر (2015) این منطق را به غیرسرمایه‌گذاران در یک بحث نئوکارکردگرایانه تعمیم می‌دهند و استدلال می‌کنند که فساد را می‌توان به عنوان شکلی از «حل مشکل»، راهی مفید برای مقابله با مشکلاتی که مردم با آن مواجه هستند، مشاهده کرد.

در نظریه‌های جامعه‌شناسی به ویژه در نظریه انتخاب عقلانی، رفتار انسان را در نتیجه ترجیحات فردی و منفعت‌خواهانه مدل‌سازی می‌کند (Hall and Taylor 1996; Elster 1989). افراد حسابگر هستند و قبل از انجام برخی اقدامات، هزینه‌ها و منافع آنها را به دقت می‌سنجند. علاوه بر این، افراد دارای ترجیحات ثابت، کاملاً تعریف شده، رتبه‌بندی شده و ثابت هستند و برای دستیابی به این اولویت‌ها به طور ایزاری رفتار می‌کنند. هدف نهایی افراد به حداکثر رساندن سودمندی است: دستیابی به هر هدفی که آنها را شادتر، راضی‌تر یا وضعیت بهتری می‌کند، مانند قدرت یا پول.

تبیین‌های انتخاب عقلانی فساد به سه حوزه فرعی تقسیم می‌شود: رویکردهای کنش جمعی، رویکردهای کارفرما-کارگزار، و رویکرد بازی هماهنگ. در رویکرد کنش جمعی، فساد ممکن است نوع خاصی از مشکل کنش جمعی باشد، که در آن افراد انگیزه‌هایی برای دنبال کردن منافع شخصی خود دارند تا اینکه با دیگران در جهت خیر جمعی کار کنند. کویس و همکاران (2016) این را به عنوان «معضل اجتماعی» می‌خوانند. در رویکرد کارفرما-کارگزار، فساد ممکن است از سوی کارگزاران مردم صورت گیرد؛ در این نظریه کارفرمایان (یعنی مردم و شهروندان) به کارگزاران (به عنوان مثال مسئولان و بوروکرات‌ها) قدرت می‌دهند تا از طرف آنها عمل کنند، به عنوان مثال برای تولید کالاهای عمومی مانند حفاظت از محیط زیست یا امنیت. این احتمال زیاد است که کارگزاران به گونه‌ای عمل کنند که منافع خود را به جای منافع مدیر اصلی به حداکثر برسانند، به ویژه زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد و شهروندان نمی‌توانند به طور کامل بر رفتار نماینده نظارت داشته باشند. این سناریو یک مشکل خاص است زیرا، اگر فرض کنیم که افراد بازیگران منطقی هستند، بعید است که فرصت‌ها برای رفتارهای سودآور رانت‌جویانه (خود منفعت‌خواهانه) نادیده گرفته شود

(Marquette and Pfeiffer 2015; Persson, Rothstein, and Teorell 2013; Klitgaard) (1998).

یکی از گسترده ترین تعاریف پذیرفته شده از فساد شامل مفروضات انتخاب منطقی و دیدگاه کارفرما-کارگزار است: سوء استفاده از اختیارات محول شده یا عمومی برای منافع شخصی و خصوصی (Svensson 2005؛ Kolstad and Søreide 2009). در این عبارت، مسئولیت تأمین کالاهای عمومی به نمایندگی از طرف اصلی به کارگزاران واگذار می شود. با این حال، نمایندگان به جای انجام وظیفه خود در قبال شهروندان، برای تحقق ترجیحات خود با هزینه مردم اقدام می کنند. فرمول معروف رابرت کلیتگارد که فساد را توضیح می دهد نیز به منطق عقل گرایانه پایبند است: «فساد برابر است با انحصار به اضافه اختیار منهای مسئولیت پذیری» (کلیتگارد ۱۹۹۸، ص. ۴؛ همچنین به کلیتگارد ۱۹۸۸ مراجعه کنید). به عبارت دیگر، ما احتمالاً در شرایطی شاهد فساد خواهیم بود که هیچ وسیله ای وجود ندارد که عاملان دارای اختیارات انحصاری بر کالا یا خدمات و صلاحیت در ایجاد و اعمال قوانین پاسخگو باشند. این امر به ویژه در بخش عمومی، جایی که مقامات دولتی اغلب از سطوح بالایی از انحصار و اختیارات اختیاری بر منابع دولتی و وظایف تصمیم گیری برخوردار هستند، مرتبط است.

رویکرد «بازی هماهنگ»، بر این باور است که: «فساد ممکن است سیستمی و گسترده باشد نه به این دلیل که ضعف یا افول نهادهایی که رفتار غیراخلاقی را محدود می کنند، بلکه به دلیل وجود هنجارهای اجتماعی حامی فساد است. به عبارت دیگر، نهادهای غیررسمی (هنجارهای اجتماعی) انگیزه هایی برای فاسد شدن افراد فراهم می کنند. هنجارهایی مانند طرفداری خویشاوندی، صرف نظر از منافع مادی ناشی از فساد، ترجیحات نسبت به فساد را به جای دوری از آن شکل می دهند در این نوع زمینه، فساد شکل مورد انتظار رفتار است، روش پذیرفته شده برای انجام کارها که منعکس کننده منطق مناسب بودن است و نوعی «پیروی از قوانین» است که به رفتار سایر بازیگران بستگی دارد (Berninghaus et al, 2013). احتمال تحریم رفتار فاسد کم است یا وجود ندارد، زیرا هیچ ترجیح هنجاری برای پاسخگویی متخلفان وجود ندارد، حتی در جایی که نهادهای پاسخگویی وجود دارند. اگر فساد یک موضوع هنجاری باشد، برای عمل اخلاقی در یک محیط عمدتاً فاسد، مزایای کمی وجود دارد. در واقع، در چنین زمینه هایی، فاسد نبودن ممکن است هزینه هایی را در قالب تحریم های اجتماعی جدی تحمیل کند (Dong et al 2012).

بهرترتیب فساد اقتصادی به مثابه یکی از موانع رشد و تولید اقتصادی، باید در هر شکل و حالت خود کاهش پیدا کرده و کم رنگ شود؛ نظریه های مختلفی که به مساله فساد پرداخته اند بر نظارت و

کنترل اجتماعی و البته آماده‌سازی و روشن‌سازی ذهنی افراد به جهت انجام فراگیر عمل اخلاقی در هر مکان و زمان، تأکید داشته‌اند. در این پژوهش به نوعی تأکید بر عامل آموزه‌ی دینی است که امری اجتماعی است؛ بدین معنا که آموزه‌های اسلامی با ابتنا بر رعایت انصاف و اخلاق و پرهیز از هر نوع کنش غیراخلاقی از جمله فساد اقتصادی، می‌توانند انتخاب فردی و جمعی افراد را به ویژه در مناصب دارای اختیارات تحت تأثیر خود قرار دهند.

۳. فساد اقتصادی در دیدگاه اسلامی: درآمدی بر راهکارهای فسادستیزی

در هر الگویی از حکمرانی سالم و کارآمد که به دنبال ارتقای سطح کیفی اداره جامعه است، مجموعه ابزارها و تمهیداتی وجود دارد که به واسطه آنها می‌توان مانع از بروز و رواج فساد شد و غالباً دولتها خود را موظف می‌دانند تا با انواع فساد مبارزه کنند، کما این که در اصل سوم قانون اساسی ایران آمده است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد؛ ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی. همچنین امروزه عموماً دستورالعمل‌های گسترده‌ای از سوی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی برای مبارزه با فساد منتشر شده است که نشان دهنده اهمیت موضوع و اهتمام نهادها برای مبارزه با آن است. برای مثال، در گزارش سال ۲۰۰۷ بانک جهانی مهمترین راهکارهای ارائه شده برای مبارزه با فساد در جوامع مختلف به طور عمومی عبارتند از: تضمین تمامیت و توسعه کارآمدی و بهره‌وری مدیریت عمومی؛ قابلیت پاسخگویی بر مبنای کارها و وظایف؛ آموزش و اطلاع‌رسانی درباره فساد؛ ایجاد فرصت‌های گزارش‌دهی (worldbank, 2007: 15)، که نشان می‌دهد هرگونه استراتژی ضد فساد، باید دربردارنده عناصری با هدف افشای آن باشد (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). از سوی دیگر همین حساسیت نسبت به امر فساد در آموزه‌های اسلامی به طور مشخص و برجسته‌ای همواره مورد تأکید بوده است؛ آموزه‌های نوشتاری (قرآن) و گفتار اسلامی (نقل و سیره پیامبر(ص) و امامان معصوم) تلاش داشته‌اند تا مسأله فساد و تباهی و بی‌عدالتی به کمترین میزان خود در سطح جامعه رسیده و قوانین اسلامی در آن به طور حداکثری اجرا شوند و حاکمیت اسلامی تحقق پیدا نماید. در ادامه مهمترین این راهکارها بررسی می‌شوند.

۳-۱ اصل حاکمیت قانون^۱

به طور کلی در جهان بینی اسلامی فقدان قانون مساوی با آشوب و اغتشاش در همه امور است. اصولاً آن چه که موجب شده تا قانون الهی و تشریح آسمانی حاکم شود، طبع اختلاف آفرین بشری

^۱. Rule Of Law

است؛ خداوند در آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌فرماید: «مردم (در آغاز) یک دسته بیشتر نبودند (و تضادی در میان آنها وجود نداشت) سپس در میان آنها اختلافات (و تضادهایی) به وجود آمد. پس خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و بر حذر بدارند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می‌کرد بر آنها نازل نمود تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند حکومت کند (افراد با ایمان در آن اختلاف نکردند) فقط (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود بخاطر انحراف از حق و ستمگری در آن اختلاف کردند. خداوند آنها را که ایمان آورده بودند به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود بفرمان خود رهبری کرد و خداوند هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند» (سوره بقره، آیه ۲۱۳). بنابراین فقدان قانون آشوب می‌آورد و در فضای آشوب و غبار فتنه است که فسادها برانگیخته می‌گردد. به همین دلیل است که یکی از عمده معیارهای فسادستیزی اصل حاکمیت قانون است. اصل «حاکمیت قانون» از مهم‌ترین شاخص‌های زمام‌داری، اعمال حاکمیت و نیز حکمرانی خوب در دوران معاصر به‌شمار می‌آید. از سویی فصل مشترک همه تعاریف ارائه شده را می‌توان در این نکته خلاصه کرد که مطابق اصل مزبور استفاده خودسرانه و مستبدانه از قدرت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی نه تنها مردود است بلکه میزان مشروعیت حکومت به میزان وفاداری ایشان به معیارهای قانونی، فراشخصی و خردمندانه بستگی دارد و از این جهت باید تابع یکسری از محدودیت‌ها گردند (داودی، بخشایش و عربیان، ۱۳۹۹: ۴۳). از همین رو، طبق اصل حاکمیت قانون، افرادی که به منابع عمومی و موقعیتهای تصمیم‌گیری دسترسی دارند، نباید از این فرصت‌ها برای ارتقا وضعیت خودشان یا تحصیل نامشروع ثروت استفاده کنند. بنابراین، تأکید بر حاکمیت قانون در آموزه‌های اسلام، تأکید بر گسترش هر چه بیشتر نظم و عدل است. ضرورت و مطلوبیت عدل برای امنیت و آرامش، انگیزه و علت اصلی قانون‌گستری است. عمومیت نداشتن و استثناپذیری قانون آفتی است که خاصیت نظم‌بخشی و عدل‌گستری قانون را کاهش می‌دهند. امر خدا، هر چه هست، براساس عدل و قسط است.

۳-۲ رسانه‌ای کردن و سوت‌زنی

در آموزه‌های اسلامی، یکی از راهکارهای مبارزه با فساد اقتصادی، رسانه‌ای کردن و شناسایی کردن عمومی فرد فاسد است؛ که این مفهوم با لفظ «تشهیر» بر آن تأکید شده است. تشهیر به معنای شناساندن و آشکار شدن؛ و همچنین آشکار کردن و رسوا نمودن در میان مردم از دیگر معانی تشهیر است. آنچه از مفهوم تشهیر بر می‌آید، نمایاندن چیزی یا کسی به مردم است که باعث شناسایی و شهرت او می‌شود. این شهرت نه از باب تبلیغ، بلکه در جهت تنبیه فرد و عموم به کار گرفته می‌شود. تشهیر رسانه‌ای با معرفی و شناساندن محکوم علیه، باعث آگاه شدن افکار عمومی و شناسایی متخلفان

و مفسدان اقتصادی می‌شود که به نوبه خود هم نوعی مجازات تعزیری است (شجاعی، آهنگران و روحانی مقدم، ۱۳۹۸:۱۳۳). آیه شریفه «لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ / خدا دوست نمی‌دارد که کسی به گفتار زشت (به عیب خلق) صدا بلند کند مگر آن که ظلمی به او رسیده باشد (نساء، ۴)» نیز به همین استثنای اخلاقی - تشهیر رسانه‌ای - اشاره دارد.

افشای فساد مسئولین حکومتی از قاعده حفظ حرمت مومن هم مستثنی می‌شود. چرا که، اگر اقدامات کارگزار حکومت موجب تضييع بيت المال مسلمين يا لطمه به فرهنگ اسلامی شود، به یقین از مصادیق فساد و ظلم بوده و فاعل آن حُرمتی نخواهد داشت و وجوب حفظ آبروی وی معنا ندارد. مدعای مذکور از شواهد بسیاری در حکومت علوی مستفاد خواهد شد. برای مثال، از آنجا که اولویت حکومت حضرت، مبارزه با مفساد اقتصادی بود، نسبت به کسانی که رنگ و بوی اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی پیدا می‌کردند، با نوشتن نامه‌ای با لحن عتاب و تهدید، به گونه‌ای که در تاریخ ثبت شود، نهی از منکر کردند. نمونه آن نامه حضرت علی به عثمان بن حنیف که در مهمانی ثروتمندان و اشرافیان تجمل‌گرا شرکت کرده بود و حضرت فعل او را در مقام کارگزار حکومت اسلامی، به شدت تقییح کردند. نکته قابل توجه آن است که حضرت به تذکر زبانی و شفاهی اکتفا نکردند، بلکه برای ثبت در اذهان عمومی و انتشار مواضع حکومت علوی در سطح اجتماع، به او نامه نوشتند (مداح، حسینی و ردایی، ۱۴۰۰:۲۳۱).

یکی از ابزارهای تشهیر رسانه‌ای که توسط خرد جمعی بشری ابداع شده و چند سالی است توسط قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران نیز به خدمت گرفته شده است، «سامانه سوت‌زنی» است. سوت‌زنی یک فرآیند افشای اطلاعات خلاف قانون و فساد است که توسط افرادی که در سازمان‌ها، شرکت‌ها، دولت و سایر موسسات فعالیت می‌کنند، انجام می‌شود. سوت‌زنی به عنوان یک راهکار برای مبارزه با فساد و تخلفات در سطح جهانی شناخته شده است و در بسیاری از کشورها، قوانین حمایت از سوت‌زنی وجود دارد.

۳-۳ برابری همه در برابر قانون و حذف مستثنیات

عموماً پذیرفته شده است که باید «قانون» حاکم باشد و همه در برابر قانون مساوی هستند، ولی گاهی با تبصره یا بند و آیین‌نامه‌ای اشخاص یا گروه‌هایی را از قانون «مستثنی» می‌کنند و همین سرمنشا فساد می‌گردد. در فرهنگ اقتصادی اسلام مطلقاً مستثنایی وجود ندارد و معصومین قانون را بر هر کسی اعمال می‌کردند. در سیره‌ی امامان معصوم (ع) رفتار برابر با همگان در اجرای قانون مورد تأکید است. به طور مثال حضرت علی (ع) در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه از عتاب برادرش به جهت زیاده خواهی صحبت کرده است و در ادامه این خطبه (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴) یادآور می‌شود که وقتی شما به

دنبال حاکمیت بی استثنای قانون باشد، فسادطلبان و امتیازخواهان در اولین قدم به دنبال تطمیع شما هستند؛ امیر المؤمنین در تقسیم اموال بیت المال مساوات را رعایت می کردند. ایشان در نامه به مالک اشتر نیز چنین می فرمایند: «وَإِيَّاكَ وَالْأَسْتَثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ / و پرهیز از ویژه سازی (انحصار طلبی) در چیزهایی که همه مردم در آنها برابرنند.» (نامه ۵۳ نهج البلاغه). به مسئله حذف مستثنیات در فرمان هشت ماده‌ای مبارزه با مفاسد رهبری نیز توجه شده است. در ماده هفت فرمان مذکور می‌فرماید «در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمیتواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.» که التفاتی دقیق به این نکته است که قانون نباید به هیچ عنوان مشمول استثنا شود، چرا که مفری ایجاد می‌کند برای گریز مفسدین.

۳-۴ ترویج اخلاق

در دهه‌های اخیر اقتصاددانان توجه فزاینده‌ای به مطالعات اخلاق و اقتصاد نشان داده‌اند. این مطالعات در حوزه‌های مختلفی از جمله بانکداری اخلاقی، اخلاق مالیاتی، اخلاق توسعه، اخلاق تجاری و اخلاق حرفه‌ای گسترش یافته است. برآیند این تلاش تقویت تعامل دانش اقتصاد و اخلاق و شکل‌گیری حوزه مطالعات بین رشته‌ای «اخلاق و اقتصاد» بوده است (توکلی، ۱۳۹۴:۱۲). اقتصاد اسلامی از ابتدا به عنوان یک اقتصاد اخلاقی پایه گذاری شده است. اسلام خواسته است انسانها حتی فعالیت‌های اقتصادی و تأمین نیازهای مادی را وسیله دست یابی به کمالات انسانی قرار دهند. از این رو، انجام واجبات مالی از قبیل پرداخت خمس و زکات مشروط به قصد قربت گردیده است که سبب تعالی اخلاقی و معنوی انسان می‌شود. مراد از اخلاق در اینجا، تنها فضایل و رذایل نفسانی نیست، بلکه افعال ناشی از آنها نیز در قلمرو تحلیل‌های ما قرار دارد. به فرموده شهید مطهری، اخلاق علم چگونه زیستن، چگونه بودن و چگونه مردن است. چگونگی زیستن شامل رفتار و ملکات می‌شود؛ یعنی انسان چگونه باید رفتار کند، و چگونه ملکاتی داشته باشد تا از نظر روحی دارای ماهیت و واقعیت با ارزش و مقدسی شود (معصومی نیا و یارمحمدیان، ۱۳۹۲:۱۱۴).

ادبیات و حیانی اسلام آکنده از دستورالعمل‌هایی است که می‌تواند حوزه اقتصاد را مدیریت کند و افراد را توصیه به درستکاری کند. برای مثال، وقتی در آیه‌ای از قرآن خداوند فرموده «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ / وای بر کم‌فروشان (مطففین، آیه ۱)» نشان دهنده اهمیت درستکاری در فروش محصول است تا حدی که خداوند این دستور را در مهمترین متن آسمانی به بشر ابلاغ کرده است. احادیث ائمه اطهار نیز مشحون از توصیه‌های اخلاقی در امور اقتصادی و تجاری است که رعایت آنها جامعه را از فساد به

دور نگه می‌دارد. برای مثال امام علی (ع) می‌فرماید «إِنْ إعْطَاءَ أَلْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ / چنانچه مالی غیر صحیح و بیش از مصرف و اندازه مصرف گردد، اسراف محسوب می‌شود». در قرآن کریم تجارت هیچ تعارضی با معنویت ندارد، فقط نباید حجاب آن شود، والا می‌توان هم تاجر بود و هم خداترس: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ آيَاتِ الزَّكَاةِ / پاک‌مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا و به پا داشتن نماز و دادن زکات غافل نگرداند (سوره نور، آیه ۳۷). با این حال، نظرات مخالفی وجود دارد که بر این باورند که وقتی پای منافع در میان باشد، گزاره‌های اخلاقی - ولو این که فرد صد در صد به آنها باورمند و معتقد باشد - کارآیی نخواهند داشت. بندورا استاد دانشگاه استنفورد چنین می‌گوید: «افراد معمولاً دست به اعمال ناپسند نمی‌زنند مگر آنکه جنبه‌های غیر اخلاقی آن اعمال را برای خودشان توجیه کرده باشند». او این حالت را «غیرفعال کردن کنترل درونی» می‌نامد. (گلاوور ۱۳۹۴). در نهایت علیرغم وجود نظرات موافق و مخالف تاثیرگذاری آموزه‌های دینی بر کنش افراد در مساله فساد، باید گفت دین می‌تواند بر روی مساله‌ی وجدان اخلاقی افراد و جامعه تاثیرگذار باشد و استانداردهای خود را بر رفتار افراد تحمیل نماید. آن هم بدون هیچ زور و اجباری؛ زیرا آموزه‌های اخلاقی میزان خودکنترلی افراد را با درگیر ساختن منطق درونی افراد یا اراده معطوف به کار خیر و ضدفساد تحریک می‌کند.

۳-۵ شفافیت

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که شفافیت، دسترسی بیشتر به اطلاعات و جریان بهتر اطلاعات با افزایش میزان پاسخگویی حکومت‌ها و مقامات رسمی، فساد را کاهش داده و حکمرانی را بهبود می‌بخشد و بهبود حکمرانی هم به پایداری آن می‌انجامد (صادقی جقه، ۱۳۹۷: ۷). بر اساس تعریف ارائه شده توسط سازمان شفافیت بین‌المللی، شفافیت عبارت است از «اصلی که به افراد متأثر از تصمیمات اداری، معاملات تجاری و فعالیت‌های خیریه، نه تنها امکان آگاهی از حقایق و ارقام، بلکه فرآیندها و مکانیسم‌های اصلی و بنیادین را می‌دهد. بر اساس اصل مذکور، مستخدمین دولتی، مدیران و متولیان، باید به شیوه‌ای آشکار و قابل رؤیت، قابل پیش‌بینی و قابل درک عمل نمایند (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۵۰)».

مقام معظم رهبری نیز با تاکید بر شفافیت به عنوان ابزاری برای مقابله با فساد، در این باره می‌فرماید: «شفاف‌سازی، شرط اصلی این فسادستیزی است؛ باید شفاف‌سازی بشود، باید فضای رقابتی به وجود بیاید، باید فضای با ثبات به وجود بیاید؛ فعال اقتصادی در این شرایط خواهد آمد و احساس امنیت خواهد کرد. آن وقت در یک چنین فضایی آن کسی که با ابتکار خود یا سرمایه خود یا کارآفرینی خود ثروتی به دست می‌آورد، نظام اسلامی از او حمایت می‌کند و تأیید می‌کند. اگر

چنانچه فضا فضای سالمی شد، [آن وقت] کسب ثروت و کسب درآمد یک چیز مباح و مورد تأیید و مورد حمایت نظام است (بیانات، مورخه ۲۰ اسفند ۱۳۹۲).

بدین لحاظ، قطع به یقین، شفافیت، یکی از مهم ترین راهکارهای مبارزه با فساد است. صراحت، برخورد شفاف و پرهیز از پنهان کاری، امکان ارتکاب به فساد اداری را محدود می سازد. اداره ای می تواند اسوه سیستم اداری شود که شفافیت در اجرای امور را تا حد ممکن افزایش دهد؛ ولی اثربخشی این مهم، منوط به توان و تمایل عامه مردم جامعه برای نظارت بر ارکان اداری است. اداره سالم، اداره ای در خدمت مردم و متکی به آنان است. بنابراین سر بقای آن، شفافیت و اشاعه اطلاعات و دانستنی ها، در میان مردم است. در چنین اداره ای، ناشایستگان به سرعت دفع می شوند؛ سوءاستفاده کنندگان از بیت المال مهار شده، با حساب کثی دقیق خلع ید می شوند؛ موانع تکامل و تعالی انسان ها برطرف می گردند؛ مضیقه های اجرای قوانین را از میان برمی دارند؛ پیمان شکنان و دروغگویان را طرد می کنند؛ مسدودکنندگان ارتباط میان مردم و کارگزاران یا حکمرانان، در هم شکسته می شوند؛ و این ارتباط، سرمایه نقد حکومت واقع می گردد. چنین اداره ای است که می تواند ابزار اصلاح امور جامعه باشد و راه پیشرفت و تعالی آن را هموار نماید. اداره سالم، سازوکارهای هوشمندی خود و جامعه را تقویت می کند و جامعه و منابع آن را در مسیر پیشرفت و تعالی قرار می دهد. فساد نیز هنگامی از جامعه رخت برمی بندد که کلیه عوامل و نهادهای مردمی، حکومتی، مدنی و کلیه گروه های اجتماعی فعال در ساحت جامعه، عزمی جدی را معطوف به حذف آن نمایند. در امتداد این تحلیل، شاید بتوان گفت که مهم ترین راهبرد مبارزه با فساد، شفاف سازی و افشای اطلاعات درباره آن است؛ زیرا اگر شفافیت بر رفتارهای اداری حاکم باشد، هرگز مجالی برای بروز فساد اداری باقی نمی ماند! پس ناگزیر اداره اسوه، اداره ای شفاف است! (پورعزت، ۱۳۹۰: ۹۱).

شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد، به عنوان راهکاری برای مقابله با فسادهای موجود در طبقات دولتی و حاکمیتی پیشنهاد شده اند و دارای دسته بندیهای مختلفی از منابع گوناگون هستند. فساد در پیشبرد اهداف و توسعه کشورها موانع بزرگی ایجاد کرده است. با وجود تلاشهای مؤثر در زمینه تدوین شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد به نظر میرسد پاسخهای رضایت بخشی در قبال این مسئله وجود ندارد و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، همچنان از فساد در تمامی سطوح رنج میبرند. مهمترین تقسیم بندی شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد به دو شکل نظرسنجی و ارزیابی مطرح شده اند که شاخصه های مبتنی بر نظرسنجی سازمان شفافیت بین الملل در قالب ادراک فساد هستند و شاخصه های مبتنی بر کارشناسی بر اساس گزارش هستند. شیوه های مبارزه با فساد با توجه به به روز شدن فساد نیازمند به روز رسانی هستند. رویکرد بانک جهانی دارای معیار جامعی برای سنجش شفافیت و میزان

ارتباط آن با مقوله فساد است. یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با فساد، محدود ساختن فعالیت‌های اقتصادی دولت و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در فعالیتهای اقتصادی است. در حوزه بودجه بندی، خط مشی گذاری و تنظیم رویه‌ها، برابری بخشی استفاده از منابع و کاهش فساد و اتلاف منابع تأثیر شایان توجهی دارد. به روز بودن داده‌ها، ایده‌ها و چشم اندازهای نهادهای مالی مسیر تازه‌ای از شفافیت سازمانی را فرا روی آنها قرار می دهد و نویدبخش کاهش فساد و بهبود عملکرد آنهاست. فقدان معیاری جامع برای سنجش فساد، چارچوب تحلیلی نامناسب، شناسایی نامناسب اهداف و عدم توجه کافی به منابع قانونی و موازین بین المللی و توجه به مسائل سیاسی جزو محدودیتها و عوامل تأثیرگذار بر عدم توفیق در مسیر مبارزه با فساد است (رحیمی، نیاورانی، جلالی و یآوری، ۱۳۹۹: ۲۶۲).

در این زمینه، در فرهنگ اقتصادی اسلام، می توان از «اصل عام شفافیت» سخن گفت. امام علی (ع) در نامه پنجاهم نهج البلاغه می فرماید غیر یک استثنا، که همانا «اسرار نظامی» است، همه امور دیگر باید به اطلاع اعضای جامعه اسلامی برسد و این «حق» شهروندان است: «أَلَا وَ إِن لَّكُمْ عِنْدِي أَلَا أَحْتَجِرُ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ / بدانید، حتی که شما بر عهده من دارید، این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ را (نهج البلاغه، نامه ۵۰، ترجمه محمد آیتی)». امیرالمومنین در فرازی دیگر از خطبه‌هایشان بر شفافیت تأکید می ورزند و در مذمت پنهانکاری سخن گفته‌اند: «ذَمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةً، وَ أَنَا بِه زَعِيمٌ... وَاللَّهِ مَا كَتَمْتُ وَشَمَمْتُ وَ لَأَ كَذَّبْتُ كَذِبَةً / پیمان من بدان چه می گویم در گرو است، و به درستی گفتارم متعهد و پایبندم...؛ به خدا سوگند به اندازه سر سوزنی را پنهان ندارم، و هیچ نوع دروغی نگویم (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

همچنین حضرت در توصیه به مالک اشتر برای شفافیت با مردم و بی پرده سخن گفتن با آنان می فرماید: «وَ إِن ظَنَّتِ الرَّعِيَةُ بِكَ حَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بَعْدُ رِكَ، وَ أَعْدِلْ عَنكَ ظَنُونَهُمْ بِأَصْحَارِكَ، فَإِن فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِّنْكَ لِنَفْسِكَ، وَ رَفْقًا بِرَعِيَّتِكَ، وَ إِعْذَارًا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ مَن تَقْوِيْمَهُمْ عَلَى الْحَقِّ / اگر رعیت بر تو به ستمگری گمان برد، عذر خود را به آشکارا با آنان در میانه نه و با این کار از بدگمانیشان بکاه، که چون چنین کنی، خود را به عدالت پروده ای و با رعیت مدارا نموده ای. عذری که می آوری سبب می شود که تو به مقصود خود رسی و آنان نیز به حق راه یابند (نهج البلاغه، نامه ۵۳)». این توصیه امام علی (ع) در واقع یادآوری یک سنت نبوی است. چرا که به هنگام تقسیم غنائم فراوان جنگ حنین، هنگامی که برای رؤسای تازه مسلمان قریش مانند ابوسفیان و بعضی دیگر یکصد شتر سهمیه قرار داد و سهم مهاجران و انصار پیشین را بسیار کم و در حدود چهار شتر مقرر فرمود، گروهی از آنها سخت ناراحت شدند و بعضی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را متهم به عدم رعایت

عدالت در تقسیم غنیمت نمودند. در اینجا پیغمبر خدا عذر خود را آشکارا بیان کرد و به آنها گفت: من با این کار محبت این افراد را نسبت به اسلام جلب کردم تا مسلمان شوند ولی شما را به اسلامتان (که در وجودتان ریشه دار است واگذاردم) آیا دوست ندارید گروهی شتر و گوسفند ببرند ولی شما محبت و ایمان به رسول الله را با خود ببرید؟ (طبری، ۱۳۶۲: ۳۶۱).

۳-۶ ارتقای سازوکارهای نظارتی و کنترلی

یکی از علل گسترش فساد در یک سازمان، دولت یا جامعه فقدان یا کم بودن سطح نظارت و کنترل بوده است. «نظارت عبارت است از سنجش و اصلاح عملکرد برای به دست آوردن این اطمینان که هدف های سازمان و طرح های اجرایی آن با کامیابی به انجام رسیده است» (کونتر و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸۸). یکی از مباحث مهمی که در دین مبین اسلام مورد توجه بوده، امر نظارت و بازرسی است. لغت نظارت در عربی به معنای زیرکی و فراست و در فارسی به معنای نظاره و نظر کردن آمده و لفظ بازرسی نیز معنی تفتیش و عمل بازرسی گفته می شود. کلمه‌ی نظارت و بازرسی در نهج-البلاغه ۱۴۳ بار تکرار شده است. حضرت علی(ع) به دلیل اشراف و نظارتی که داشتند، در ابتدای خلافت خود اقدام به استرداد اموال بیت‌المال، تعویض کارگزاران لایق و انتخاب دقیق مأموران بازرسی و نظارت به همراه آموزش‌های فنی و رفتاری به تحصیل‌داران و کارگزاران خود نمودند. به عنوان نمونه از حضرت علی(ع) نقل شده که در حدیث شریف (وابعث العیون من اهل الصدق والوقاء علیه)، از بازرسان و ناظران به عنوان عیون، چشم‌های نظام اسلامی نام برده شده است (نبنیان و مرادی حقیقت، ۱۳۹۳: ۱۳۴-۱۱۹). حضرت علی(ع) در تجربه‌ی خلافت و حکمرانی خود با ایجاد شبکه‌ای از بازرسان دولتی، به طور شبانه‌روز سازوکار کنترلی و نظارتی فراگیری را در سرزمین‌های خلافت اسلامی به طور آشکار ایجاد کرده بودند؛ که نتیجه‌ی این بررسی‌ها به صورت کتبی یا حضوری به اطلاع ایشان می‌رسید. کارگزاران حکومت علی(ع) نیز به خوبی بر این امر واقف بودند که عملکرد آنها از دید بازرسان مخفی نمی‌ماند و به طور مستمر به مرکز گزارش داده می‌شود.

در قرآن کریم نیز خداوند سبحان بارها در آیات متعدد، مساله نظارت و بازرسی اعمال بندگانش را مطرح کرده و خود را شاهد و ناظر کارهای بندگان خود معرفی می‌نماید: «ای پیامبر! بگو عمل کنید؛ خداوند و رسول خدا و مومنان، اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید خبر می‌دهد» (سوره توبه، آیه ۱۰۵). این امر نیز در سیره پیامبر اسلام (ص) نیز دیده می‌شود. حضرت رضا(ع) در مورد سیره‌ی نظارتی و بازرسی پیامبر گرامی می‌فرماید: «سیره و روش پیامبر این بود که هرگاه سپاهی را به مأموریت می‌فرستادند، و فرماندهی برای آن تعیین می‌کرد، برخی از افراد موثق و مورد اعتماد خود را بر او می‌

گماشت تا رفتار و عملکرد او را زیر نظر بگیرند و برای رسول خدا (ص) گزارش کنند» (تبیان و مرادی‌حقیقت، ۱۳۹۳: ۱۳۴-۱۱۹). مجموع این گزاره‌ها نشان‌دهنده‌ی اهمیت راهبردی مساله سیستم و سازوکار نظارتی و کنترلی در یک سازمان است؛ اینکه تا زمانی سیستم نظارتی و بازرسی کارآمد و موثر عمل نکند، انتظار کاهش فساد و انحراف از سوی کارگزاران امر بیهوده‌ای است.

نتیجه گیری

در مقاله حاضر تلاش شد مساله فساد اقتصادی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل و موانع رشد و توسعه اقتصادی در فرهنگ و آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. همانطور که بررسی گردید فساد را می‌توان یکی از رفتارهای دیرپای آدمیان دانست که در ساحت‌های مختلفی بروز و ظهور داشته است و باعث بر روی روندهای درونی جوامع تاثیرگذار بوده است. فساد به مثابه رفتاری غیراخلاقی، دارای علل متعددی است که عمده‌ی دلایل آن ماهیت اقتصادی دارد؛ از سوی دیگر فساد را یکی از موانع مهم تحقق رشد و توسعه اقتصادی و در نهایت حکمرانی خوب می‌دانند؛ از سوی دیگر مفهوم فساد به عنوان یک امر غیراخلاقی، در ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام مورد مذمت و نفی قرار گرفته است؛ بر همین مبنا سؤال اصلی پژوهش حاضر مبتنی بود بر این گزاره که فرهنگ اسلام چه برنامه و دستورالعمل‌هایی برای مبارزه و کنترل بیشتر بر فساد دارد؟ با بررسی صورت گرفته یافته‌ی این مقاله این است که در فرهنگ اسلام برای مقابله با فساد و کنترل آن دستورالعمل‌های موثری دارد به این نتیجه رسیده است که در قرآن و احادیث معصومین، نکات قابل تأملی وجود دارد که قابل کاربرد و کاربست برای رفع فساد و متعاقباً رونق یک اقتصاد سالم و کارآمد است که از میان آنها می‌توان به اصل حاکمیت قانون، رسانه‌ای کردن و سوت‌زنی، برابری در مقابل قانون و حذف مستثنیات، ترویج اخلاق، اصل شفافیت و ارتقای سازوکارهای نظارتی و کنترلی اشاره کرد. تأکید بر دستورالعملها و توصیه‌های آموزه‌ها و فرهنگ اسلام به این معناست که این امر مفروض گرفته شده است که آموزه‌های دینی می‌تواند باعث ارتقا و جدان اخلاقی و نوعی خودکنترلی در فرد گردد؛ اما در بیرون از ذهنیت افراد باید سازوکارهایی را نیز ایجاد کرد تا گرایش به فساد در سطح جامعه کمتر گردد.

منابع و مآخذ:

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، **تاریخ طبری** (تاریخ رسل و الملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر
- عبدالله زاده رحمت‌الله، عبدالحی مصعب، غفورزاده حسین، عبدالحی زهرا. نقش آموزه‌های قرآنی و روایی در کاهش فساد اقتصادی. **نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی**. ۱۳۹۶؛ ۶(۲۱): ۶۵-۹۰
- کلاس، برایان (۱۴۰۲)، **قدرت و فساد**، ترجمه امیرحسین مهدی زاده، تهران، نشر همان
- کونتر، هرولد؛ ویهریخ، هاینس؛ اوداتل، سیریل (۱۳۸۸). **اصول مدیریت** (۲ جلدی)، مترجم: محمدعلی طوسی، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش، مدیریت و برنامه‌ریزی
- گلاوور، جانانان (۱۳۹۴)، **انسانیت: تاریخ اخلاقی قرن بیستم**، ترجمه افشین خاکباز، تهران، انتشارات آگه
- محسنی، فرید (۱۳۹۲) پیشگیری از فساد اداری با تأکید بر فناوری اطلاعات، **فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی**، بهار ۱۳۹۲ - شماره ۶۱، از ۱۳۹ تا ۱۷۴
- مداح، مسعود؛ حسینی خامنه‌ای، سید حامد حسین؛ ردایی، حسین (۱۴۰۰)، بررسی فقهی و حقوقی افشاکاری مفسد کارگزاران در حکومت اسلامی، **دوفصلنامه علمی پژوهشنامه فقه میان رشته‌ای اجتماعی**، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۱)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص. ۲۲۷-۲۵۲
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲)، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام** (جلد پنجم)، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)
- Marquette, H., and C. Peiffer. (2015). "Corruption and Collective Action". **Developmental Leadership Programme Research Paper**. University of Birmingham.
- Manzetti, L., and C.J. Wilson. (2007). "Why Do Corrupt Governments Maintain Public Support?" **Comparative Political Studies**, 40(8): 949-970.
- Hall, P.A., and R.C.R. Taylor. (1996). "Political Science and the Three New Institutionalisms". **Political Studies**, 44(5): 936-957.
- Elster, J. (1989). **Nuts and Bolts for the Social Sciences**. Cambridge University Press.
- Persson, A., B. Rothstein, and J. Teorell. (2013). "Why Anticorruption Reforms Fail – Systemic Corruption as a
- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- احمدی، اکبر (۱۳۹۵). «مؤلفه های اقتصاد مقاومتی در قرآن و روایات تفسیری»، **فصلنامه علوم و معارف قرآنی و حدیث**، (۷)۲، صص ۱۲۴-۱۰۳ .
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۰)، اداره سالم به روایت نهج البلاغه، **فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه** تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۳۱ صفحات از ۶۹ تا ۹
- توکل، محمد جواد (۱۳۹۴)، **اخلاق و اقتصاد اسلامی**، قم، انتشارات دانش و اندیشه معاصر
- حاجیان حسین آبادی، رضا. (۱۳۹۸). «روش های مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی». **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های نهج البلاغه**، ۱۸(۲)، ۱۰۱-۱۲۴.
- حسینی نسب، سید مرتضی؛ قیوم زاده، محمود؛ گلخندان، سمیرا. (۱۴۰۲). «بررسی فقهی حقوقی منع اخلال در نظم و امنیت اقتصادی و مالی در پرتو مذاق شریعت و آیات قرآن». **پژوهش های بازاریابی اسلامی**، ۱(۴)، ۱-۱۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی، **مجموعه بیانات و سخنرانیها**، در سایت شخصی (<https://farsi.khamenei.ir/>)
- خدایی رفوگر، سعید؛ هادوی نیا، علی اصغر. (۱۳۹۶). «مفهوم‌سازی و سنجش فساد اقتصادی از دیدگاه اسلام با رویکرد نهادگرایی». **اقتصاد اسلامی**، ۱۷(۶۶)، ۴۷-۷۵.
- داودی، حمیدرضا، بخشایش، احمد، و عربیان، اصغر. (۱۳۹۹). نقش و جایگاه مجلس شورای اسلامی در حکمرانی خوب. **فصلنامه مطالعات سیاسی**، ۱۲(۴۸)، ۴۳-۵۹.
- دلیری، حسن (۱۴۰۱). «آیا سرمایه اجتماعی بر فساد اقتصادی موثر است؟»، **فصلنامه مطالعات اقتصاد بخش عمومی**، ۱(۲)، صص ۲۱۶-۱۹۹ .
- رحیمی، حمید؛ نیاورانی، صابر؛ جلالی، محمد؛ یاوری، اسدالله (۱۳۹۹)، شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد و تأثیر سنجه ها و موازن بین المللی، **فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی**، شماره ۴۲ دوره ۱۱ زمستان ۱۳۹۹، ۲۶۲-۲۸۷
- رزاق کرمن، سوزان (۱۳۹۶). **فساد و دولت: علت‌ها، پیامدها و اصلاح**، مترجم: منوچهر صبوری، چاپ سوم، تهران: نشر شیرازه
- شجاعی، صدیقه بیگم، آهنگران، محمدرسل، و روحانی مقدم، محمد. (۱۳۹۸). جایگاه تشهر رسانه ای در مبارزه با مفسد اقتصادی. **رهیافت انقلاب اسلامی**، ۱۳(۴۹)، ۱۳۳-۱۵۰.
- صادقی جقه، سعید. (۱۳۹۷). شفافیت، نظارت و کارآمدی. **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ۲۱(۸۲)، ۷-۳۴.
- صادقی شاهدانی، مهدی؛ رزم آهنگ، مهدی. (۱۳۹۶). «واکاوی پدیده فساد اقتصادی از منظر فرهنگ اسلامی در چارچوب مدل هافست». **فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی**، ۶(۲۰)، صص ۸۵-۱۰۷ .

- Collective Action Problem". **Governance**, 26(3): 449-471.
- Klitgaard, R. (1998). "International Cooperation Against Corruption". **Finance & Development**, 35(1): 3-6.
- Svensson, J. (2005). "Eight Questions About Corruption". **Journal of Economic Perspectives**, 19(3): 19-42.
- Kolstad, I., and T. Søreide. (2009). "Corruption in natural resource management: Implications for policy makers". **Resources Policy**. Vol. 34. No. 4.
- Berninghaus, S.K., et al. (2013). "Risk Attitude, Beliefs, and Information in a Corruption Game – An Experimental Analysis". **Journal of Economic Psychology**, 34: 46-60
- Dong, B., U. Dulleck, and B. Torgler (2012). "Conditional Corruption". **Journal of Economic Psychology**, 33: 609-627.